

ارکسیون مکنه همی زندگی ما در میل جنسی و پر خاشاکری خلاصه نمیشه تا شیر ایداع هم مهم است.

خود یا آیدو در ظرفه فرود هم بین فواسته های نهاد، خواسته های فراخود تقادری برقرار مکنه و داننا تحت فشاره. ارکسیون مکنه خود، فراتر از این بحث ها هست. در ستراسر شخصیت یکبار چگی ایجاد مکنه و ما با کمک خود، مجازان های رشدی رو طی می کنیم. در دوره کودکی بیا رگشده است ولی در نوجوانی اگر آن خود درست شکل بگیره مجدداً قدرت میگیره و نیرو به دست می آید و تکنیز و تالید ارکسیون روی دوره نوجوانی که **هویت** هست، هست. چون خورش روی دوره نوجوانی خوب رو سیت سرنگذاشته بده. در هویت خورش خدلی هم مشکل مر خوره. سرگردان بده، نمیدانسته که بخوار نقیض سلب یا اعراسه یا روانشناس سلب. خدلی روی هویت تالید مکنه در مکنه آدوره **هویت** طوفان و فشار نیست یک مسیر **سازگار** به. در نوجوانی که هویت بخوار شکل بگیره فرز فقط آسیب پذیر تره، دچار کربان هویت مکنه ولی در عین حال دوره **استعداد پخته**. استعداد بیشتر رو برای خورش کشف مکنه.

انگلی بدنی
انگلی آرومانی
هویت الگو

ارکسیون در زمینه خود سجنه وابسته به خود را مشخص کرد

انگلی بدنی به تجربهیات مرتبط با بدنی ما اشاره دارد. بصیری که ما از ظاهر مون داریم که مستقیم از این همدیگر ارضی با لیم یا ارضی نباشیم. او نظوری که هم و ظاهر خودم روی بینم

افغان را دراز نحوه ای که بدنمان به نظر می رسد و کار می کند راضی یا ناراضی باشیم و بی سرانجام
که این تنها بدنی است که همیشه فراهم است

الگوی آرمانی تصویر ذهنی از خود ایده آل، این نه تنها مسئول راضی بودن یا نبودن از
خود جانی است، بلکه مسئول کل هویت شخصی ما است. (راستی که دوست داریم باشیم)

هویت الگو تصویر ذهنی است که ما از خودمان در انواع نقش های اجتماعی که بازی می کنیم، داریم.
آیا خودم رو در اول نقش اجتماعی که داریم می بینیم؟ تصویر میسب هست؟ معمولاً
تصویرهای که از خودمون داریم زیاده از حد نیست خود سزیشی در آن بالاست.

گرم نه جانی دوره ای که این به عطر با سرعت زیاد تغییر می کند، اما این به عطر می تواند در طول
زندگی تغییر و تکامل پیدا کند.

تأثیر جامع

ارکسیون میلم جامع در **شکل گیری** خود خیلی تأثیر داره. خود به صورت بالقوه در باره خود داره
ولی جامع آن را شکل می دهد. جامع آن را پرورش می دهد. خود از **دل جامع** به وجود می آید.
مثلاً آنکه در فرهنگ جامع ای حساسیت به تمیزی و صورت دارانته باشیم، و سواس روی ساری بعدون
و یک شخصیت و شکل مین که و سواس است مثلاً به سمت و سواس می ره و خیلی هم عالیه.
ارکسیون میلم هویت تو تحت تأثیر جامع ای هست که تو در آن زندگی می کنی. بر اساس آن ساری
خودت مسیر مشخص می کنی، از پس ها تو مشخص می کنی.

پس اینگونه باقی در تکرار و تکرار ۰ اما برای شکل گیری کامل باید تحت تأثیر محیط اجتماعی و

فرهنگی قرار بگیرد.

جامع فرهنگ روش های فزاینده و ارزش ها را به بزرگ مسئول می کشد و شخصیت

او را شکل می دهند. مثلاً قوم سیو یک مراقبت طولانی و آسان از کودک باعث اعتماد و

حسن سخاوت و بخشنده می شود. و قوم یورک درباره دفع ادرار و مدفوع مقررات سختی دارند، و روشی

که متوجه تنبیه و سواستخوانی و لجابت روی پرورش داده و در فرهنگ اروپایی - آمریکایی - هسین

رقص را ممکن به عنوان نشانه های روان رنجوری دیده می شود.

در دوره اریکسون درباره تفاوت فرهنگی

صفات و رفتارهایی که در یک فرهنگ سازگار و طبیعی و در فرهنگ دیگر ممکنه اخراجی و یا ناسازگار دیده می شود.

مردانست فرهنگی از صفات دهان و معده در فصل لذت از خوردن یا نظم شدید بگفتی به ارزش های

جامع دارد.

اریکسون معتقد بود برخی باورهای تاریخی مانند بهتری یک جامع صرفاً تصورات غلطی هست که

توسط جامع تبادم یافته اند.

پس اینگونه می کند از تعامل با محیط اجتماعی و فرهنگی به فرهنگ و تاریخ، ارزش ها و عبادات را

به بزرگ مسئول می کشد به همان رفتار در یک فرهنگ سازگار و در فرهنگ دیگر ناسازگار دیده می شود.

اریکسون توسعه مراحل رشد را تا جوانی و نوجوانی گسترش داد تا نقش محیط و جامع در شکل گیری

شخصیت دیده شود.

ارکسون مراحل فرایند را به پیری گسترش داده و سه مرحله قبل از آن یک اصل و مورد را به

توی مراحل به اسم اصل این لایه **اصل** یا **اصل** میگویند

در این اصل ارکسون میگوید همانطور که جنین میخورد رشد میکند طبق **مراحل**، رشدش اتفاق می افتد.
قلب، کبد، چشم و در دوره حساس رشد میکند، آن رشد میکند، دیگر رشد نمیکند و

مثلاً رشد فرزند دوره حساس خوردن اتفاق می افتد.

اصل این لایه یعنی دوره رشدی که قبل از تقسیم از پیش تعیین شده است. اگر در این
دوره اعتدال در من شکل گرفت شکل میگیرد و اگر شکل نگرفت شکل نمیگیرد. اگر در
دوره نوجوانی هویت در تو شکل گرفت و خود تو پیدا کردی، کردی و اگر شکل نگرفت شکل نمیگیرد.

مفهوم اصلی اصل این لایه ارکسون

ارکسون معتقد بود آنکه خود را همانند رشد عانی، طبق یک **تقسیم اولیه و ترتیب مشخص** رشد میکند
که این اصل را از رویان **شکل** (پیش از **جنینی**) اقتباس کرده است. هر مرحله از رشد را که
باید در زمان مناسب و بر اساس **مراحل قبلی** شکل بگیرد و رشد کند.

استرتیج مشخص در هر مرحله ای از آنکه برای هر مرحله قبلی شکل میگیرد و جایی را

قبلی را نمیگیرد مثلاً قبل از دویدن، راه رفتن باید ابتدا ایستادن خیز برداشتن و سپس راه بردن
در نهایت بیاید

۲- زمان حساس هر فرد را که، زمان خاصی برای رشد دارد. اگر مرحله ای در زمان
مناسب رشد نکند، رشد کامل آن ممکن نیست.

۳- اگر در هر مرحله ای از رشد به تسلط در یک مرحله، مهارت و ساختار آن در
در مراحل بعدی حفظ و تکمیل می شود.

شال عملی ارکسیون - اندام در مرحله ۱ (نویز بونی) ظاهر می شود - در مرحله ۲ (ادامی بودگی) تسلط کامل پیدا می کند و در مرحله ۳ (مرحله بازی) رشد آن ادامه دارد تا می اندام ها و ویژگی های مرحله ۳ از مراحل قبل وجود دارند و در زمان مناسب رشد، حذر انگیل می کنند.

مراحل رشد روانی - اجتماعی ارکسیون

۱- رشد طبقه اول تکوینی - هر مرحله برای هر مرحله قبل شکل می گیرد و اماری قبلی حذف نمی شوند.

۲- تعارض اندام - هر مرحله شامل یک تعارض بین عنصر سازگار و عنصر سازگار است

۳- نیروی بنیادی آلتوس - اصل تعارض هر مرحله یک نیروی بنیادی آلتوس شکل می گیرد که حذر برای

مرحله بعد آماده می کند. مثال اعتقاد به اعتدای نیروی بنیادی مسه اعد

۴- آسیب بالقوه - اگر حل تعارض ناکافی باشد آسیب اساسی ایجاد می شود. مثلا نو با دگی که کمبود امید - ایجاد ضد امید

۵- تأثیر زیستی رشد روانی - اجتماعی بازتفسیر شناسی ترکیب شده است

۶- رویدادها تأثیرات انرا تا رشد بعدی را تعیین نمی کنند. هویت آلتوس از تجارت گذشته، حال و انتظارات آینده شکل می گیرد

۷- بحران هویت در نوجوانی - نوجوانی - حساس ترین مرحله نسبت به تغییرات هویت است.

بحران هویت - فرصت برای سازگاری یا سازگاری اضطرابی نه فاجعه

- مراحل رشد - روانی ارکسیون
- ۱- اعتقاد در برابر بی اعتقادی
 - ۲- خود مختاری در برابر شک و تردید
 - ۳- انبساط در برابر احساس گناه
 - ۴- سخت کوشی در برابر احساس حقارت
 - ۵- هویت در برابر سردرگمی نقش
 - ۶- صمیمیت در برابر انزوا
 - ۷- زانندگی در برابر رکود
 - ۸-

مرحله اول - اعتقاد در برابر بی اعتقادی ارکسیون مکتب این مرحله یکی در سال اول زندگی است و برای مادر طم دهانی ضروری است. در این مرحله کودک خیلی به مراقبت کننده ادبی وابسته است. مراقبت کننده اصلی، مادر است. در این مرحله خیلی محله که نیازهای کودک به موقع برآورده بشود، مادر در دسترس باشد، اگر نیاز به غذا دارد، نیاز به تعویض پوشک دارد و نیاز به بغل دارد. هویت احساس کرده مادر هست. اول حسن اعتقاد در کودک شکل میگیرد. اگر مادر نباشد، سر کار باشد و به کودک توجه نکند یا به بی اعتقادی شکل میگیرد. بچه از طریق مراقبت کننده اصلی به دنیا اعتقاد میکند. حالا اگر آن اعتقاد شکل بگیرد، و برتری مست در فرد به وجود می آید به اسم امید. ولی اگر نتواند با تحریف این مرحله کنار بیاید دچار **کناره گیری** میشود.

پس در این مرحله رشد روانی جنبه عمارت ارکسیون - **نوباوگی** است دوره ای که سال اول زندگی کودک و با

مرحله دهانی فرود برابر است مع مرحله دهانی فرود به دهان سرور می رسد ولی اگر کسی فک

نوباوگی زبان **جذب کردن** است مع که نوباوگان نه از طریق دهان بلکه اندام های حس نوباوگان خود

جذب می کنند مع مثلاً بکک چنان خود محرک های دماغ را جذب می کنند. وقتی غذا و اطلاعات حس

را جذب می کنند یا هرگز نه به دماغ می رسد مع **اعتقاد کنند**

یا بی اعتقاد باشند

مرحله اول مع اعتقاد در برابر بی اعتدالی و بیرونی نیازی **بعد** شخص میسر

حالت دهانی - حس در نوباوگی

مع **نفس** مع نوباوگان می توانند از طریق دهان هوا را جذب کنند

مرحله دهانی - حس با در و روش جذب شخص میسر

و اطلاعات حس را **تکثیر** می کنند

نوباوگان نه تنها باید **تکثیر** بلکه از مزه در دهان بخواهند که **بدهد** نوباوگان در این جریان یاد می گیرند به

این تعامل با بزرگان مع به آنها اعتقاد کنند یا بی اعتقاد باشند

اعتقاد در برابر بی اعتدالی و نوباوگی و اوایل کودکی

مهم ترین روابط بین فردی نوباوگان با مراقب اصلی آنها مع مادرشان است. وقتی نیازهای کودک

به موقع و با کیفیت تامین می شود مع صداهای خوشایند مادر، مراقب مناسب مادر باعث می شود **اعتقاد** نیازی

شکل بگیرد. وقتی نیازهای کودک به موقع پاسخ داده نشود، ناهماهنگی محیطی میسر می آید و بی اعتدالی نیازی

شکل می گیرد - اعتقاد نیازی سازگار است. نوباوگان باید در برابر روش بدن. اعتقاد خیلی زیاد

آغاز بازگشت آزادگان به مین اسلامی

بی اعتدالی نیازی اخلاقی

منفر می شود

ناگامی
ختم
حضرت

آنها را ساده لوح و در برابر بی عقلی دنیا آسیب پذیر می کند، اعتقاد خیلی کم

تقاضای بین اعتقاد بنیادی و بی اعتقادی بنیادی به اولین بحران در فرد مغرب می شود. اکثر افراد این بحران را با موفقیت حل کنند اولین نیروی بنیادی را کسب می کنند به نام امید.

امید: نیروی بنیادی نوپا و نوکی

امید از تقاضای بین اعتقاد و بی اعتقادی به وجود می آید. نوپا و نوکان باید ترسند، درد و ناراحتی را تجربه کنند. اکثر نوپا و نوکان در طول نوپا و نوکان کافی پیروان نند **فدا امید** را نشان خواهند داد. **کناره گیری و آسیب اساسی** به که آنها با امید کم از دنیای بیرون عقب نشینی می کنند و به سمت آسایش روانی می روند.

مرحله دوم به خود مختاری در برابر شر و ترسید. این مرحله برابر است با مرحله معنوی مفزید و تقریباً سال دوم و سوم زندگی هست. بچه ها در این مرحله مخالفت، سرپیچی و لجبازی مطلق بچه دوست داره خود مختار باشد. دوست داره خودش غذا بخوره، خودش لباس بپوشه. دوست داره کاملاً آزاد باشد. در این مرحله بهترین کار اینست که والدین **آزادی عمل** به کودک بدن. اگر جلوی خود مختاری بچه را بگیرند در **سک و ترسید** به وجود می آید. پایه های شک و ترسید به خود در این مرحله به وجود می آید اگر این مرحله به خوبی نگذرد فرد در آن **اراده** شکل می گیرد. **این مرحله** کودک یاد می گیرد بدون خود شک و ترس در خصوص تصمیم گیری کند. این دوره فقط آفرینش استفاذه از توانایی نیست بلکه زمان یادگیری راه رفتن، دویدن و نگه داشتن اسباب بازی هم هست. کودکان ممکنه درباره **کمال** فعالیت ها به سختی بشوند بدن مثلاً مدفوع خرد رو نگه دارن یا به دلخواه خود رو دفع کنند. به آغوش مادر بدن یا از مادر دور شدن به او ایل کودکی در ره مخالفت و ناسازگاریه. این

باغچه‌ها به رنگانه‌های متضاد آغاز به جریان خودمختاری در برابر شرم و تردید است.
اعتقال دانه والدین به خاطر کشف کردن سگدار می‌کنند که به والدین با شک کردن درباره توانایی
فرزندش در بر آورده کردن نیازش **تردید** رو در او به وجود می‌آید. تعارض بین خودمختاری و شرم و تردید
بحران اصلی اوایل کودکی می‌باشد.

خودمختاری از **اعتقاد** به وجود **بد** آن اعتقاد در نوباوگی ایجاد شده با **لم** کودکان یاد می‌گیرند به
قدرتشان اطمینان داشته باشند و بحران ولایتی را تجربه می‌کنند و دنیاگون سالم‌تره. می‌تواند اثر در
نوباوگی اعتقاد در اپیورس نواره باشند تلاش‌های آنها با احساس **شرم** و **تردید** مواجه می‌شود.

شرم به احساس زیر نظر بودن
تردید به احساس قطع شدن نبودن
سگ و تردید و نگرانی‌های اخلاقی گریختن و خود را از بی اعتقاد
در نوباوگی نامی شده آن.

از حل بحران خودمختاری در برابر شرم و تردید **نیروی بنیادی اراده** به وجود می‌آید.

اراده به توانایی شروع به تصمیم‌گیری و کنش اعمال کردن.

کودکان در صورتی که در روپورس می‌دهند که **محیط حمایتی** داشته باشند. اگر محیط کودک **محروم** باشد

با **لم** اراده ناکافی، وسواس و فقدان اعتقاد به نفس در کودک شکل می‌گیرد.

مرحله سوم - استوار در برابر احساس گناه این مرحله سنین ۳ تا ۵ سالگی - دوره بازی هست. دره ای که بچه ها می فران کارهای جدید یکن. برابر با مرحله آلتی فریده. بچه دوست دارن کارهای جدید انجام بدن. مثلاً تو یک لیوان آب، روغ می ریزه، نزل می مریزه. یک کار می میکنی که برای ما نرسد سالان معادلاره. در این مرحله جلوایم را نباید بگیریم. در این مرحله کودک دانه در کارهای جدیدش ابتکار فرخیده. بخوار تواناییهای شناختی خودشو محک مزنه. اثر این مرحله خوب پیش بره و اثری هدمند بودن در او شکل مکنیه. از تجربه های جدید نفس ترسم و اثر این مرحله به خوبی پیش بره و اثری بازدارنده در او شکل مکنیه به تمام جلوی خودشو می کشه به کمک من نشینم.

سین کودک در این مرحله بازی های هدمند، همدان سازی با والدین، گنجایوی و تحیل رو پرورشی مین. اطفال دانه که در کس نقش دارد، همسر پدر، موهر را بازی کنه که این بازی، نه تنها باینکه حالت تناسله بلکه باینکه توانایی به سرعت روبه رشد اون. اکنون کودکان می توانن به راحتی بیرون، بالابرنده و بازی آنها هم ابتکار عمل و هم قدرت تحیل را نشان می دهد. اراده که در مرحله قبلی رشد کرده بود، حالا به قدرت فعالیت هدمند در میاد. می تونن خیال پردازی کنن که مثلاً حیران واهی چه طوریه؟ این خیال پردازی ها احساس گناه هم ایی دیکینه.

تعارف ابتکار عمل در برابر گناه شیوه های هدف را ایی دیکینه.

کودکان توانایی بنیادین و انجام فعالیت های هدمند رو دارن به اگر موفق بشن ابتکار عمل و خلاصت اوناییه. اگر ناکام بشن یا بشن از حد محدود بشن به احساس گناه، سرکوب خلاصت و فعالیت در اونام وجود ندار.

مرحله چهارم به سخت‌گویی در برابر احساس حقارت سن دریم است ۶ تا ۱۲ سالگی و

برابر با دوره تحقیکی فرویده. در این دوره دنیای اشیای کودکان از خانواده فراتر می‌رود و

با همسالان، معلمان، هم‌کلاسی و مدبر و آدم‌ها متفاوتی به غیر از اعضای خانواده

در ارتباط می‌شوند. در این دوره کودک می‌تواند توانایی‌های خود را بشناسد و به حل کردن

مسائل و مشکلات دریم کمک نرود. مثلاً در دریم با همکلاسی‌های دعواش می‌شود، معلم بهش نمره

کم میده، مدبر بهش زور میده. در این جا اگر والدین خیلی در خفا کنن و اجازه بدن که بچم خودش

از پس مشکلاتش بربازد، بچ این دوره رو به خوبی نفیخته می‌کنه. اگر بکسورن فکر درست اینه که

از دور راهنمایی کنند و بی اجازه بید خودی، ورود نکنند. وقتی ورود میکنن مشکلاتشو

حل میکنن احساس **شایستگی** بهش دست میده. شایستگی و آرزوی این مرحله است. و بی وقتی که

تقدیر از پس مشکلاتش بربازد، فکر میکنه که نفیخته و در **چار بی جنبشی** می‌شه.

منفعل می‌شه و فکر میکنه هم باید در برابرش باید باشن، بهر سوال هم می‌شه در برابرش نبراش

لایق نیست.

پس مرحله چهارم تمرکز اصلی بر **یگانگی اجتماعی** است نه جنسی.

حزین این مرحله سخت‌گویی در برابر حقارت است

سخت‌گویی به معنی بازیافت است. به معنای تلاش برای بازیافت چهارت و کوشش‌ها و مشارکت مؤثر

در فعالیت‌های گروهی و انجام درست وظایف است

حقارت به احساس ناکامی یا بی‌کفایتی در انجام کارها یا چهارت‌ها که ممکنه ناشی از شکست‌های

قلبی باشه.

آغاز هفته دولت

بین سخت کوئی و حقارت باید بہ نفع سخت کوئی بابے . انا تجربه مقدار حقارت ہم مفیدہ .

حقارت بیل از حد سے جلوسیر کا از فعالیت مؤثر و کاہل احساس ناپستی .
 کو دکان از تعارض سخت کوئی در برابر حقارت نیوی بنیادی ناپستی را پرورش میدن .
 کوک بادر من گیره که از توانایی های جسمانی و شناختی خودش که برای حل مشکلات و مشکلات در
 جامع استفاده کنه .

سخت کوئی بیل از حد یا حقارت بیل از حد سے مکانه کوک بہ مرحلہ قبلی رشتہ واپس موی کنه و
 بیشتر وقت خودشو صرف بازی به لگرنه . این واپس روی به جنسی ناصیده میگم کہ عند ناپستی و
 آسیب اساسی دور قدر است .

مرطبه نجیم سے هویت در برابر سر درگمی نقش دوره بلوغ تا اوایل نوجوانی (جوانی) است کہ
 محکم ترین مرحلہ رشدہ سے چون دوره ای کہ فرد بخود بدونہ کہ ؟ چہ ؟ چکارہ اس ؟ برای چہ
 بہ دنیا اوده ؟ هویت جنسی کو مر فو لا بناس کہ این از توانایی بیل سے ا محصل کہ در آن رشد مکانه
 هویت نائی از اجتماع
 صبح

۲- حاسد سازی با والدین

این مرحلہ اگر به خوبی خودش و ارزش هاشو ، خط قرمز هاشو ، هدف او بناس و بگریه یا ببلد بولان
 و وفاداری در اون شکل می گیره . چون هویت داره بہ یہ سری از چیزها پابنده ولی آنکه هویت
 در اون شکل گرفته بابے سے نشیونہ هدفش چہ برای آئندہ سے و بگریه انکار نقش در اون
 شکل می گیره . انکار نقش یعنی اصلا مسئولیت پذیر نیست . از قولین و مقولین سر بهی می رانه
 روز کارمند

مسئولیتی و نقش محسوس دارد.

پس در این دو علم آثار شکل گیری **هویت الهی** و کشف خود را داریم. تجربه آفرینش و وفاداری نقش ها و باورهای جدید.

بجز این دو علم **هویت** در برابر **سردرگمی نقش** است

هویت - نوصوان باید **هویت** شخصی و اجتماعی خود را تثبیت کند. باورها و نقش های شخصی و اجتماعی خود را تثبیت کند.

سردرگمی نقش ناتوانی در نقش جایگاه خود در جامعه، تردد در باورها و معیارها، و استیلا بی اثر یا انکار نقش ها

منوری بنیادی که از بجز این **هویت** پدید آرمی گو **وفاداری** است

وفاداری به توانایی تعهد به خود و دیگران، نیازمند اعتقاد و علم در توانایی و تجربه منوری بنیادی های قبلی به امید، اراده، هدف و استیلا است.

جستجو برای **هویت** به معنای حل تجربه های اجتماعی متفاوت و حتی رفتارهای اخلاقی باشد اما این بخش طبیعی از رشد است.

مقدار متفاوت **سردرگمی نقش** هم برای شکل گیری **هویت** ضروری است.

اما **سردرگمی** شدید باعث به هدف، تأخیر، تقسیم گیری و ناتوانی در انتخاب مسیر منوری می باشد. **وفاداری** و **انکار نقش** است.

انکار نقش - **تردید** یا **تقریر** در پذیرش نقش ها و ارزش ها.

تردید به نوعی **سردرگمی** اعتقاد به نقش است به قدرت کم روی یا دودلی است

تقریر اقدام آشکار به بعضی از صاحبان قدرت است

از یک سو معتقد به مقدار اندک **انکار نقش** طبیعی و به نوصوان اعاده **هویت** خود را شکل داده

مرحله پنجم **همصمیمیت در برابر انزوا** برابر با مرحله تماسلی فردید است دوره جوانی

۱۹ تا ۳۰ سالگی است. در این مرحله فرد باید توانایی این برداشتم بآید که با دیگران روابط صمیمی

برقرار کند، باهاشون سازش و تعامل داشته باشد. چهارم آنکه احساساتش رو با اونام اشتراک

بذاره و این مرحله ویژگی مشخص اینست که **عشق** رو متوجه تجربه کنه

عشق یعنی - احساس مسئولیت کردن نسبت به طرف مقابل

به اشتراک گذاشتن احساسات

ساختن، سازش کردن با دیگران

آسیب این مرحله **انزوا و تنگ بودن** است به معنای از عشق

دوست داره خدش بخوابه، با هیچ کس نه سازه. در روابط عاطفی هم اصلاً سازش نداره.

پس **همصمیمیت** به توانایی نزدیک شدن به دیگران بدون از دست دادن هویت خود که ویژگی های

همصمیمیت به اعتقاد، فداکاری، صلح است که حتی باید هویت دوره نوجوانی تقدیم شده

باشد

انزوا به ناتوانی در برقرار همصمیمیت واقع است حتی آنه فرد از لحاظ اجتماعی یا مالی موفق باشه.

* کم از او لازم است تا هویت فرد شکل بگیرد.

اما انزوا زیاده به همصمیمیت کم می رود و عشق ضعیف می شود.

از تجربه آن همصمیمیت در برابر انزوا **نیروی بنیادی عشق** به وجود میار.

اگر کسی عشق را **دلبستگی** تعریف کنیم، قلبی نرم عشق، صمیمیت را شامل می‌شود اما اندازه
آنزوا هم در بر دارد. عشق چینه تعینی احساس تعهد، همکارا، رقابت و رقابت.

مرحله هفتم: زانگی در برابر کود بیش از ۳ تا ۶ سالگی. افراد جانیاه خود را در جامعه
پیدا میکنند. فرد بزرگس به تولید مثل، خلایق، ارتقای قلبی، حمایت از فرزندان و خانواده اس
را دارد. در این مرحله فرد در نقش پرستار گشته، اندیشه‌ها یا تازه داشته باشد. اگر کسی
قلب آن مراحل قبل به خوبی پیش نرفته، با آن فرد چار **کود** می‌شود. یعنی همس در، خود را
علامه ای به چیزها ندارد. نسبت به فنونارش به تفاوت، خلیه علامه ای به حالت کردن ندارد.
و اگر کسی نسبت این **مرحله مراقبت** است. فرد آن دوره‌ها قلبی رشد شود، مخصوصاً مرحله
هویت و صمیمیت رویه خوبی که کرده باشد، علامه دارد به **مراقبت کردن** و **حالت کردن** و
مطیع بودن در جامعه

سپ در این مرحله فرد مسئولیت اجتماعی و خانوادگی رومی پذیرد.
بزرگس به تولید مثل، تکامل به ادا م شغل، مراقبت از فرزندان خود و رسیدن دارد.
نکته: تولید مثل با لم باید از عشق و صمیمیت شکل گرفته در جوانی نشأت گرفته باشد.

صمیمیت واقعی: هویت تثبیت شده + اعتماد و تعهد
مراقبت: تعهد به مراقبت از اشخاص و دستاوردها و اندیشه‌هایی که فرد یاد گرفته از آن‌ها
مراقبت کند.

مرحله هفتم **سماج در برابر ناس و ناعدی** مرحله پیری از ۹ سالگی تا پایان عمر فرد در این مرحله زندگی خود را بر سر میگذارد. چگونه زندگی کرده؟ چکار کرده؟ اگر از گذشته خودش راضی باشد **سماج و قدرت** در خودش دارد

و اگر نه **سماج** این مرحله **فرد** است. سماج خردمند بودن میگذرد. اساس کافی بودن میگذرد. و اگر نه **سماج** این مرحله **خواری** است. سماج میگذرد. افراطی، سودمند نبوده تا آن اساس خردمند را از پس بودن بچسبند.

پس **سماج** سماج کامل بودن و یکپارچگی در من به با وجود کاهش توانایی ها، جسمانی و ذهنی. افراد همچنان دوست دارند خلاق و زاینده باشند. از نوع ها و جامع مراقبت کش. ناعدی به فضای امیدنداشتن. وقتی امید از دست میرود ناعدی رو به دنبال دانه و زندگی از آن پس، دلیله معنایی ندارد.

کبران **سماج** در برابر ناعدی **نیروی بنیادی خرد** است **خرد** توانایی بر فرد آگاهانه و مستقل با زندگی و مرگ. انتقال دانش و تجربه به نسل بعد. افراد خردمند می توانند با کاهش توانایی ها هم معنا و **سماج** زندگی را حفظ کنند.

خواری **خرد** و **آسیب** اساسی پیری است که اگر یکسوی آن را به **والدین به ضعف** **ناتوانی** **سودمند** **توقیف کرد**

اگر یکسوی آن خردش پیر شود به پیری کم تر، خوش بین بود و همراه همسرش توصیف و طمحه خرد و آغاز کرد. دونه خلیس پیری به ضعف های جسمانی و عقلانی. توانایی زاینده را از افراد میگیرد و آن ها مستقر کرد.

۱۴ دوشنبه

۸ صفر ۱۴۴۴

5 Sep 2022

خلاصه چرخه زندگی

شهریور ۱۴۰۱

۱۵ سه شنبه

۹ صفر ۱۴۴۴

6 Sep 2022

مرحله	محران مروانی - اعتدالی	نیروی بنیادی	آسیب اساسی
۱- نوجوانی	اعتقاد در برابر بی اعتقادی	احمد	کند و کثیری
۲- اوایل کودکی	خود مختاری در برابر بیگانه و ترس	اراده	وسواس
۳- دوره بازی	انفعال عمل در برابر احساس گناه	هدف	بازداری
۴- دوره مدرسه	سخت گوئی در برابر احساس حقارت	شایستگی	بی چسبی
۵- نوجوانی	حمیت در برابر سردگنی نفس	وفاداری	انکار نفس
۶- جوانی	صمیمیت در برابر انزوا	عشق	تک بودن
۷- نرسایی	زیادگی در برابر رکود	مراقبت	مرد درازی
۸- پیری	انجام در برابر نالیدی	خواری	خواری